



## کتاب، بی‌کاغذ

سمیه‌سادات  
حسینی

نویسنده

پسرک گفت: مامان دوباره از اون لبخند کجکی‌ها داری می‌زنی. توی گوشیت چه خبره؟ سرم را بلند کردم و با همان لبخند که هنوز نتوانسته بودم محوش کنم، گفتم: اینستاگرام الان یادآوری کرد خاطره روزی رو نوشتم که دو سال پیش توی ایران به مناسبت روز کودک، برده بودمتون سینما و بعدش کافی‌شاپ و بعدم به عنوان هدیه براتون نفری دوتا کتاب خریده بودم. خیلی خوش گذشت. نه؟

پسرک گفت: آها! همون که ما رو برداشتی بردی یه فیلمی که مناسب سن مون نبود؟!

گفتم: ای بابا! چرا بدترین جنبه‌ش یادش مونده خب؟ یادمه اون روز خیلی کار داشتم. اما به خاطر شما همه رو نصفه ول کردم بردمتون بیرون.

دخترک گفت: جدی یادته مامان؟! از دو سال پیش؟ حافظه‌ت خیلی خوبه‌ها!

پسرک خندید: نخیر! توی اون مطلب اینستاگرامش خودش نوشته که چقدر کار داشته. از روی اون خوند الان. خندیدم: خیلی خب. آره. تقلب کردم از روی خاطره خودم. ولی خدایش بقیه‌ش خوش نگذشت؟ کافی‌شاپ و کتاب و...؟

دخترک آهی کشید و گفت: کلا اون موقع‌ها خیلی خوش می‌گذشت. یادش به‌خیر.

گفتم: من که هروقت بخوابم، حاضرمنه چنین کاری بکنم، خودتون باید راضی بشین بیاین.

پسرک گفت: آخه بانی‌ی؟

گفتم: بله بانی‌ی. مشکلی نداره که. می‌ذاریمش توی کالسکه. شما دو تا هم که همراهم هستین و کمک می‌کنین.

پسرک آه کشید: ولی مشکل اون نیست. اینجا نه از اون مدل کافی‌شاپا خبری هست. نه سینما نزدیکه بهمون که بشه به اون راحتی رفت و برگشت. نه کتاب فارسی پیدا می‌شه مثل ایران. تازه همه اینا هم خیلی گرون‌تره از ایران. دخترک هم آه کشید: هعی! خیلی وقته کتاب جدید نخوندم. دلم تنگ شده برای کتاب فارسی جدید.

ناگهان گفتم: پاشین تبلت و موبایلتونو بیارین. زود پاشین!

باتعجب به همدیگر نگاه کردند و بلند شدند و رفتند و دخترک با تبلت و پسرک با گوشی موبایلش برگشت. ازشان گرفتم و روی هر دو، دو برنامه کتابخوان که خودم عضو بودم، برایشان نصب و حساب کاربری خودم را برایشان فعال کردم.

بعد گرفتم به سمت‌شان و گفتم: خوب! هدیه من به شما دو تا کتابی که خیلی دوستش دارین و همین‌طور به کتابخونه از کتاب‌های دیگه که هرکدوم رو خوشتون اومد، می‌تونین بخونین.

پسرک زود متوجه جریان شد و گوشی‌ش را با هیجان از من گرفت. اما دخترک پرسید: یعنی چطوری؟!

گفتم: خب اینجا که ما دستمون به کتاب‌های کاغذی به زبان فارسی نمی‌رسه. به جاش می‌تونیم از نسخه اینترنتی کتاب‌ها استفاده کنیم.

دخترک من و من کرد: ولی من کتاب کاغذی دوست دارم. گفتم: انتخاب با خودته. کتاب کاغذی جدید نخوندن تا معلوم نیست کی که بتونیم بریم ایران، یا کتاب جدید روی تبلت بخوندن.

یارانه ۸۰ میلیون نفر در جیب ۸۰ هزار نفر!

# عددبازی با طرح تشویقی پاییزه کتاب



کجا و با چه منطقی به جمعیتی کمتر از یک‌دهم درصد جمعیت کشور (اصلاً شما بپذیرید ۸۰ هزار نفر که می‌شود یک‌دهم جمعیت کشور) چنین یارانه‌ای پرداخت می‌کند؟ آیا این یارانه به منظور راضی نگه‌داشتن قشر و دسته خاصی نیست؟ دولت اگر می‌خواهد مردم را به سمت مطالعه و خرید کتاب سوق دهد باید برنامه‌های کارشناسی تنظیم کند به جای این که دست در جیب ۸۰ میلیون نفر کند و کار فرهنگی انجام دهد!

یارانه‌هایی که باید به صورت عمومی و یکسان توزیع شود و در دسترس همه قرار بگیرد این‌گونه از سوی دولت به صورت نامتوازن به گروه محدودی تعلق می‌گیرد. در حالی که یارانه‌های فرهنگی اگر قرار است توزیع شود باید مستقیم به حساب سرپرست خانوار واریز شود تا هرکس با توجه به سلیقه و میل خود از آن استفاده کند. به عبارتی دولت با این طرح سعی کرد رضایت یک گروه کوچک را کسب کند و همان‌ها را راضی نگه دارد در حالی که این هزینه‌ها باید برای تمام شهروندان کشور ۸۰ میلیونی ایران صورت بگیرد و حتی آن فرد روستایی که سیر کردن شکم چندسر عائله‌اش برایش اولویت بیشتری از خرید کتاب دارد، هم بتواند از این پول نفت سهمی داشته باشد. در این بین هیچ نهاد بازرسی و ناظری وجود ندارد تا از نحوه تخصیص این یارانه سخن بگوید. به عبارتی آیا دولت با دادن امتیاز به یک قشر محدود می‌خواهد در این اوضاع گرانی کتاب و دیگر محصولات فرهنگی که دیگر به محصولات با کلاس و شیک تبدیل شده‌اند و فقط عده‌ای خاص می‌توانند از آنها استفاده کنند، آنها را تا حدودی با خود همراه کند؟ به معنای دیگر خدای نکرده دولت در این فقره هم دستش را در جیب ملت کرد تا بتواند نمایش فرهیختگی ایجاد کرده و دل عده‌ای را نرم کند؟

اگر بخواهیم راحت حرف بزنیم باید بگوییم نمایش خرید کتاب و فرهیختگی دولت در هفته کتاب سال ۹۸ در این یک مورد، حدود دو میلیارد تومان هزینه روی دست کشوری گذاشت که بیش از ده میلیون دهک‌های پایین دارد و خب اگر بگوییم «به داد این ده میلیون نفر برسید» احتمالاً جواب می‌شنویم، غذای روح از غذای جسم هم مهم‌تر است؛ ولی کسی نیست بگوید سفره‌ای که برای غذای روح جامعه پهن کرده‌اید کمتر از یک‌دهم درصد از جمعیت کشور سر آن نشسته‌اند!

در خبرها آمده بود، در طرح پاییزه کتاب که در هفته کتاب اجرا شد حدود ۶۵ هزار نفر کتاب خریده‌اند. در ادامه آمده بود رقمی که در این هفته کتاب خریده شده، قریب به ده میلیارد تومان بوده است. این طرح در روزهای اجرا شد که برف و بنزین و قطعی اینترنت را در کشور شاهد بودیم و بسیاری از رسانه‌ها بر این نکته تاکید کردند که اگر این اتفاقات رخ نمی‌داد احتمالاً اقبال از این طرح بیشتر بود و احتمالاً مدیران نیز انتظار بیشتری از فروش و اقبال مردم داشتند.

حالا بیایید قبل از این که نتیجه‌گیری کنیم کمی با هم عددبازی کنیم. براساس اعلام خانه کتاب، کتابفروشی‌های عضو این طرح می‌بایست تخفیف ۲۰ درصدی به مراجعه‌کنندگان تا سقف ۱۲۰ هزار تومان ارائه می‌کردند. یعنی فروش ده میلیاردی اعلام شده از سوی این موسسه در طول اجرای طرح، ۲۰ درصد آن یارانه‌ای بوده که از سوی دولت پرداخت شده و باقی به صورت مستقیم توسط مخاطبان پرداخت و مستقیم به حساب کتابفروش وارد شده است. یعنی به صورت تقریبی دو میلیارد تومان برای این طرح از محل بودجه عمومی به شرکت‌کنندگان در این طرح اصطلاحاً تشویقی پرداخت شده است. طرحی که قرار است در آن یارانه به صورت مستقیم به دست مصرف‌کننده برسد و واسطه‌ها حذف شوند تا در محلی که برای آن در نظر گرفته شده به مصرف برسد. تا اینجا هم مساله‌ای نیست.

این طرح در حالی اجرا شد که ابتدا اعلام شد به دلیل مشکلات مالی به صورت سراسری اجرا نمی‌شود و در تهران آن هم به این خاطر که شهرداری تهران به عنوان حامی مالی ظاهر شده، به اجرا گذاشته می‌شود، اما پس از برخی اعتراض‌ها و انعکاس آن در رسانه‌ها طرح به صورت سراسری اجرا شد تا کل کشور را پوشش بدهد. سپس آغاز طرح همراه شد با افزایش قیمت بنزین و پیام‌های آن که منجر به قطع شدن اینترنت در کشور شد، به همین خاطر متولیان طرح پاییزه کتاب مدعی بودند قطع شدن اینترنت، اطلاع‌رسانی و تبلیغات این طرح را مختل کرد و سبب شد با اقبال مخاطبان روبه‌رو نشود.

حال پرسش اساسی این است که در شرایط کنونی، دولت از



عکس:

ایرنا



حسام آبنوس

دبیر قفسه



یارانه‌هایی که باید به صورت عمومی و یکسان توزیع شود و در دسترس همه قرار بگیرد این‌گونه از سوی دولت به صورت نامتوازن به گروه محدودی تعلق می‌گیرد. در حالی که یارانه‌های فرهنگی اگر قرار است توزیع شود باید مستقیم به حساب سرپرست خانوار واریز شود تا هرکس با توجه به سلیقه و میل خود از آن استفاده کند